

## در خدمت و خیانت روشنفکران



■ جلال آل احمد  
■ نشر مجید  
■ ۴۲۴ صفحه  
■ ۴۵ هزار تومان

یکی از نخستین آثاری است که به طور مستقیم به سراغ روشنفکران می‌رود تا کارنامه آنان را در حیات مردم ارزیابی کند. نویسنده البته روشنفکری را مفهومی مدرن در نظر نمی‌گیرد و به صورت تاریخی به شخصیت‌های برجسته از پیامبر اسلام تا فردوسی، خیام، حسن صباح و در دوران نزدیک به معاصر امیرکبیر، قائم مقام و بعدها کسروی، بهار، دهخدا و... اشاره می‌کند.

## مدیر مدرسه



■ جلال آل احمد  
■ انتشارات جامی  
■ ۱۱۲ صفحه  
■ ۴۰ هزار تومان

این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۳۷ به چاپ رسید. نویسنده با الهام از تجربیات زندگی شخصی، مدیر مدرسه‌ای را به قهرمان اصلی داستان مبدل می‌کند که قرار بود عافیت طلبانه به کنج دفترش بجزد اما با مشکلات بسیار زیادی در امر اداره مدرسه و مدیریت معلمان و دانش‌آموزان مواجه می‌شود و دست آخر ناگزیر به استعفا می‌شود. خودش در مورد این کتاب می‌گوید: «حاصل اندیشه‌های خصوصی و برداشتهای سریع عاطفی از حوزه بسیار کوچک اما بسیار موثر فرهنگ و مدرسه» است.

## خسی در میقات



■ جلال آل احمد  
■ انتشارات فردوس  
■ ۲۳۲ صفحه  
■ ۳۸ هزار تومان

کتاب «خسی در میقات» در سال ۱۳۴۳ و درباره سفر جلال آل احمد به مکه و مدینه نوشته شده است. این سفر در باورها و رویکردهای جلال نقش قابل توجهی داشت. کتاب در قالب سفرنامه به رشته تحریر درآمده و نویسنده می‌کوشد سرزمین وحی را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و سیاحتی برای خوانندگان ترسیم کند. توصیف بناها و فضاها، همسفران و مردم عربستان، نقد استثمار و جامعه مصرفی از جمله مواردی است که در این کتاب به آن پرداخته شده است.

و مبهوت و بی‌اراده به جهان غرب نگاه می‌کنند و همین بی‌ارادگی نخستین عامل غرب‌زدگی است. فرد غرب‌زده دچار بحران هویت است و این به نوعی بی‌اعتنایی و فراموشی هویت، تمدن و اصالت منجر خواهد شد. آل احمد تاکید دارد که ما باید شخصیت فرهنگی خود را حفظ کنیم، موضوعی که در ماشین نمی‌توان آن را جست‌وجو کرد و ما نباید مقهور شخصیت غربی شویم. او در این زمینه هشدار می‌دهد و می‌نویسد: «ما شبیه به قومی از خود بیگانه‌ایم؛ در لباس و خانه و خوراکی و ادب و مطبوعات و خطرناک‌تر از همه در فرهنگمان. فرنگی‌مآبی می‌پروریم و فرنگی‌مآب راه حل هر مشکلی را می‌جوئیم.» به باور وی ما در نقاشی، معماری، سیاست، حتی فرهنگ ازدواج و مصرف مصنوعات نیز در حال غربی شدن هستیم. او سپس به نقد آثار ادبی غرب نظیر طاعون و کرگدن یا فیلم مهر هفتم پرداخته و سرخوردگی غرب را ناشی از ماشینی شدن آن و تهی شدن از انسانیت می‌داند و هشدار می‌دهد چنانچه ما نیز داشته‌های فرهنگی خود را فروگذاریم، به چنین بی‌هویتی و سرگردانی دچار خواهیم شد. مطبوعات نیز از انتقاد جلال در این رابطه در امان نیستند و در این رابطه برای آن‌ها مسئولیت قائل می‌شود چرا که اعتقاد دارد مطبوعات اساساً به عنوان یک ابزار از غرب وام گرفته شده اما عملاً در خدمت تقویت غرب‌زدگی درآمده‌اند و به این خودبیگانگی هویتی دامن می‌زنند.

## راه برون‌رفت

انتقادات مطرح‌شده در غرب‌زدگی خالی از ارائه راهکار به منظور تعدیل این وضعیت یا گذار از آن نیست. دعوت جلال به مشارکت هر چه بیشتر روحانیت در زیست اجتماعی و سیاسی به عنوان حافظان سنت و هویت ایرانی، بخشی از راه حلی است که برای برون‌رفت از وضعیت غرب‌زدگی ارائه می‌کند. همچنین او به اهمیت آموزش در این راستا پافشاری می‌کند و معتقد است مدرسه‌ها هستند که «غرب‌زده‌ها» را می‌سازند. البته که او باور دارد استفاده از ابزار کهنه برای حرکت به سمت اهداف جدید به نوعی زندگی بدوی خواهد انجامید و میسر نیست اما جدای از ابزار، او به ارزش‌ها تاکید دارد. به اعتقاد وی «در برنامه مدارس، هیچ اثری از تکیه بر سنت، هیچ جای پای از فرهنگ گذشته، هیچ ماده‌ای از مواد اخلاقی یا فلسفه و... وجود ندارد.

مهم‌ترین راه برون‌رفت آل احمد از وضعیت غرب‌زدگی اما همان «بازگشت به خویشتن» است که در سراسر این اثر فریاد می‌زند. او خود بعد از سال ۱۳۴۱ نوعی بازگشت به فرهنگ، مذهب و تاکید بر سنت‌های ایرانی و اسلامی دارد و این بازگشت به خویشتن را به معنای تأکیدی دوباره بر سنت‌ها، تاریخ و فرهنگ می‌داند. وی تأکید دارد که برای چنین بازگشتی باید اعتمادبه‌نفس از دست‌رفته را احیا کنیم تا بتوان با طرح ایده‌های نوآورانه از وضعیت مصرف‌کنندگی صرف خارج شویم؛ ملی‌گرایی به معنای بازگشت به ارزش‌های ملی و داخلی نیز راهکار دیگری است که در این راستا توصیه می‌کند.

کتاب «غرب‌زدگی» به لحاظ جنبه نقادانه و تأکید بر احیای برخی از وجوه در حال زوال فرهنگی قابل اعتنا است و از این نظر که در زمره نخستین هشدارها در این رابطه برای فرهنگ ایرانی است، باید مورد توجه قرار گیرد اما به نظر می‌رسد این اثر بیش از آنکه یک واکاوی دقیق در علل عدم توسعه و عقب‌ماندگی باشد، یک بیانیه شورانگیز احساسی در واکنش به اوضاع اجتماعی ایران در آن روزگار است. بنابراین کتاب را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن بستر اجتماعی که در آن نوشته شده، مورد ارزیابی قرار داد.

## در میانه مارکسیسم و اسلام

کتاب «غرب‌زدگی» آینه‌ای است از روزگاری که جلال در آن زیسته و مواجهه‌های که او و برخی پیشینیان از دوران مشروطیت و حتی هم‌نسلانش در عصر پهلوی با مدرنیسم و تمدن داشتند. جلال در تعریف شرق و غرب می‌گوید: «شرق و غرب در نظر من دیگر دو مفهوم جغرافیایی نیست. برای یک اروپایی یا آمریکایی، غرب یعنی اروپا و آمریکا و شرق یعنی روسیه شوروی و چین و ممالک شرقی اروپا؛ اما برای من، غرب و شرق نه معنای سیاسی دارد، نه معنای جغرافیایی بلکه دو مفهوم اقتصادی است؛ غرب، یعنی ممالک سیر و شرق یعنی ممالک گرسنه.» و زمانی که می‌خواهد غرب‌زدگی را تعریف کند آن را «روایت عقب‌ماندگی یک سوی عالم و پیشرفت سوی دیگر آن می‌داند.»

کتاب غرب‌زدگی در سال ۱۳۴۰ و بعد از کناره‌گیری جلال از جریان‌های چپ‌گرا و بازگشت به مذهب نوشته شده، با این حال به نظر می‌رسد در همین اثر نیز ارجاعاتی به تفکرات کمونیستی و حتی برخی از گفته‌های مارکس دارد و به طور مثال برای حل مشکل صنایع بزرگ طرح سوسیالیزه کردن آن‌ها را پیشنهاد می‌دهد. همچنین برخی این اثر را منطبق بر دیدگاه‌های متفکران مکتب وابستگی و کسانی چون «آندره گوندرفرانک» دانسته‌اند اما با این حال او تلاش کرده که این یک تکاپوی فکری تازه مخصوصاً با بهره‌گیری از داشته‌های فرهنگی باشد؛ به همین دلیل آن جا که به چاره‌جویی برمی‌خیزد، راه نجات را در اسلام و وحدت مسلمانان ارزیابی می‌کند. حتی به سرزنش مسلمانان در گذشته می‌پردازد که چرا نتوانسته‌اند تعارض‌های درونی خود را به موقع حل کرده و آن هنگام که دشمنان در راه بیداری بودند، به خواب رفتند.

او معتقد است که رگه‌های سلطه استعمار بر ما را باید در گذشته‌های بسیار دور، جایی که کلیت اسلام از دو سو، یکی از شرق به وسیله مغولان و دیگری از غرب توسط صلیبیان مورد حمله قرار گرفت، جست‌وجو کرد. در این هنگام پدران ما به خواب غفلت فرورفتند و این خواب طولانی بالاخره در زمان مشروطیت آشفتگی شد.

با این حال مسئول غرب‌زدگی را تنها استعمار غرب نمی‌داند بلکه آن را حاصل تداوم روح غارت‌گر غرب در کالبد عوامل داخلی و محیط آماده‌ای که آنان برای رشد و گسترش این بیماری فراهم می‌کنند، می‌داند. او به دفاع از اندیشه «شیخ فضل‌الله نوری» در دوران مشروطه می‌پردازد و او را مدافع کلیت تشیع اسلامی می‌داند که بالای دار رفت و «نعل و همچون پرچی شد که به عنوان استیلای غرب‌زدگی بر بام سرای ایرانی افراشته شد.» در ادامه این دفاع تمام‌عیار روحانیونی را که تنها وظیفه خود را آخرت می‌دانند و با دنیای مردم کاری ندارند، به باد انتقاد می‌گیرد و آنان را «آخرین برج و باروی مقاومت در مقابل هجوم ماشینی» می‌داند چرا که این گروه حاملان اصلی سنت هستند. با این حال معتقد است زمانی که روشنفکران غرب‌زده مشروطه‌طلب روحانیون را کوبیدند و تلاش کردند آنان را از ساحت اجتماعی حذف کنند، آنها مقاومت در خوری نشان ندادند و به این ترتیب غرب‌زدگی فرصت رخنه و نفوذ در جامعه را پیدا کرد.

## بحران هویت

خوابختگی فرهنگی در برابر پیشرفت‌های مادی غرب، مسئله دیگری است که در این کتاب مورد انتقاد قرار می‌گیرد. به باور جلال ما خیره به پیشرفت‌های مادی غرب گمان کردیم که غرب در همه ابعاد از ما بهتر و جلوتر است و به همین سبب افراد مات



طرح مفهوم «وابستگی به ماشین» به عنوان یکی از علل غرب‌زدگی در این کتاب نکته قابل توجهی است. «تا وقتی تنها مصرف‌کننده‌ایم، تا وقتی ماشین ساخته‌ایم، غرب‌زده‌ایم.» و بعد تلاش می‌کند تا با ارجاع به تاریخ بگوید چه شد که در انصراف کامل ما از تحول و تکامل ماشین دیگران ساختند و جلو افتادند و ما عقب ماندیم